شماره بیست و چهارم، ۲۳ آبان ماه ۱۴۰۵

نگاه
پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی

آیت‌الله آقا سید مجتبی خامنه‌ای: بحمدالله ملّت ایران درس‌های بزرگی را از آموزه‌های اسلام ناب محمّدی صلّی‌الله علیه و آله و سلّم و معارف انقلاب اسلامی و مکتب رهبران حکیم خود، خمینی کبیر و خامنه‌ای شهید اعلی‌الله مقامهما الشّریف به‌خوبی فراگرفته و روزبه‌روز با تحقّق وعده‌های الهی، ایمانش به حقّانیّت این راه عمیق‌تر شده است. امروز در اثر رسوایی خودساختهٔ مستکبران، قدرت و سلطهٔ رو به زوال امریکا در هر دو بُعد قدرت سخت نظامی و قدرت نرم بین‌المللی دچار سقوطی برگشت‌ناپذیر شده و روند فروپاشی آن تسریع گردیده است.. ۱۳/آبان/۱۴۰۵



ارزش سازمان ملل متحد

دکتر داود مهدوی زادگان*

سازمان ملل متحد که در شهر نیویورک مستقر است و نهادهای بسیار مهمی چون شورای امنیت، مجمع عمومی، دادگاه لاهه، یونسکو و نیروهای نظامی صلح‌بان متشکل از نظامیان کشورهای عضو را در خود دارد، با پایان یافتن جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ با هدف ایجاد امنیت و صلح جهانی و جلوگیری از وقوع جنگ تأسیس شد. سازمان ملل متحد در پی ناتوانی جامعهٔ ملل در ممانعت از وقوع جنگ‌های منطقه‌ای و جهانی تأسیس شد؛ اما اکنون، پس از گذشت هشتاد سال از تأسیس این سازمان، پرسش این است که آیا کارنامهٔ این سازمان در قیاس با جامعهٔ ملل توانمندتر بوده است؟ آیا این سازمان در رسیدن به اهداف بسیار مهم و ارزشمندش موفق بوده است، یا اینکه او نیز به همان سرنوشت جامعهٔ ملل گرفتار آمده و چاره‌ای جز پایه‌گذاری ایده‌ای نوین، کارآمدتر و انسانی‌تر نیست؟ متأسفانه کارنامهٔ ناکارآمد سازمان ملل متحد بسیار مأیوس‌کننده، بلکه غصه‌آور و شرم‌آور است. از زمان تأسیس این سازمان تاکنون، در سراسر جهان جنگ‌های بی‌شمار بزرگ و کوچک، طولانی‌مدت و کوتاه‌مدت رخ داده است و سازمان ملل در جلوگیری از وقوع این جنگ‌ها مؤثر نبوده است. ناامنی از سوی دولت‌های متجاوز و تروریست، عالم‌گیر شده است و سازمان ملل از مهار و کنترل این دسته از دولت‌های سلطه‌گر و استثماری ناتوان بوده است. هیچ صلحی بعد از به راه افتادن کشتارهای فاجعه‌بار نبوده است که سازمان ملل در پدید آمدن آن نقشی داشته باشد. اما شرم‌آوری کارنامهٔ سازمان ملل متحد در قیاس با جامعهٔ ملل در تبدیل شدنش به ابزار دولت‌های مستکبر و تروریست غربی، و در رأس آنها دولت نابکار آمریکا و رژیم صهیونیستی است. امروزه نهادهای سازمان ملل، مانند سازمان حقوق بشر، سازمان انرژی اتمی، شورای امنیت و نیروهای صلح‌بان، به ابزار مشروعیت‌بخش در اعمال سلطهٔ این دسته از دولت‌های تمامیت‌خواه زورگو تبدیل شده‌اند. در سه دههٔ اخیر نمونه‌های زیادی از این‌گونه همکاری‌های کثیف سراغ داریم؛ مانند حملهٔ آمریکا و ناتو به افغانستان، عراق، بوسنی، لیبی، سوریه، مردم مظلوم غزه و ایران. دستان این نهادهای سازمان ملل در همکاری با دولت‌های ضدبشری آلوده است.اکنون جوامع مختلف جهان حق دارند از خود بپرسند که سازمان ملل در ناکارآمدی چه فرقی با سلف خود، جامعهٔ ملل، دارد؛ جز اینکه آن نهاد نقش ابزاری در همکاری با دولت‌های جنگ‌طلب نداشت، ولی این نهاد دارد. امروز هیچ فضیلت و ارزشی برای سازمان ملل نمی‌توان برشمرد، مگر در این مسئله که کشورهای عضو فرصت محدودی برای رساندن حرف‌شان به جهانیان پیدا می‌کنند. و البته این هم امتیازی نیست که سازمان ملل بخواهد بدان افتخار کند؛ چون این مسئله گام اولیه در انجام وظیفهٔ سازمان ملل است و نه غایت نهایی آن. *پژوهشگر فقه و سیاست

یک پرچم، یک ایران؛ روایت همدلی در تجمعات شبانه

دکتر محمدرضا برزویی*

تجمعات شبانه مردم در ایام جنگ رمضان، ابتدا با اندوه و سوگواری شهادت رهبر و امامشان، شهید آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، شکل گرفت؛ اما به‌تدریج، با دعوت رهبر جدید انقلاب، آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، به عرصه‌ای برای اعلام همبستگی، حفظ انسجام اجتماعی و نمایش اراده جمعی ملت ایران تبدیل شد. در این میان، افراد شرکت کننده در این تجمعات به نمادهایی نیاز داشتند که بتوانند فراتر از تفاوت‌های فکری، اعتقادی، قومی و سلیقه‌ای، احساس تعلق و وحدت را تقویت کنند. در این میان یکی از مهمترین نمادهایی که فراگیر شد، «پرچم سه‌رنگ جمهوری اسلامی ایران» شد که نمادی از همدلی و اتحاد در عین تفاوت‌ها بود. نشانه‌ای که می‌تواند دل‌های گوناگون را حول یک وطن و جغرافیای مشترک به یکدیگر پیوند دهد. در فرهنگ اسلامی نیز دوست‌داشتن «وطن» جایگاهی ارزشمند دارد. عبارت مشهور «حُبُّ الوَطَنِ مِنَ الْایمان»؛ یعنی «دوست‌داشتن وطن از ایمان است»، که به پیامبر اکرم(ص) منسوب شده، یادآور پیوند عمیق میان تعلق به وطن و باورهای ایمانی است. از منظر ارتباطات، استفاده از پرچم و «پرچم‌گردانی» در این اجتماعات صرفاً یک حرکت نمادین نیست؛ بلکه به آیینی جمعی و رسانه‌ای برای بازنمایی همبستگی ملی تبدیل شده است. هنگامی که افراد با پوشش‌ها، باورها و سلیقه‌های متفاوت، پرچم ایران را در دست می‌گیرند و به اهتزاز درمی‌آورند، تصویری زنده از وحدت در عین تکثر به نمایش درمی آورند و همچنین شعارهای حماسی و مداحی‌های سوگ‌محور و مقاومت برانگیز نیز به این آیین، شور عاطفی و معنای مشترک می‌بخشند. شاید پیام روشن این شب‌ها همین باشد که «برای کنار هم بودن، لازم نیست در همه چیز یکسان بیندیشیم»؛ کافی است ایران اسلامی و عزیز را «فصل مشترک» خود بدانیم و به حق پرچم سه‌رنگ ایران، در دست مردم، روایتگر همین همدلی و تعلق خاطر جمعی و مشترک ایرانیان خواهد بود. *استاد دانشگاه امام صادق (ع)

عبارت «مرور ریشه‌ها» در پیام ۱۳ آبان رهبر انقلاب

فائزه سادات حسینی*

به‌بهانه پیام رهبر انقلاب در ۱۳ آبان، می‌خواهم از کلیدواژه "مرور ریشه‌ها" سخن بگویم. کلیدواژه‌ای مهم که ما را دعوت به یک بررسی وجودی درباره علت دشمنی آمریکا با ما می‌کند. در این مسیر شاید بد نباشد گریزی به سخنرانی مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا در آتن بزنیم که در قالب یک مانیفست، علت حمله کشورش را به ایران تشریح کرد. تمام صحبت او این بود که آمریکا در مقام وارث یونان باستان می‌خواهد با فضیلت جنگاوری و برتری

بر ایران غالب شود. به این ترتیب، هدف او بیان یک نبرد تمدنی بود که صورت وجودی داشت و پیش از این، رهبر شهید در قالب دشمنی آمریکا با هستی مستقل ایران هشدار فرموده بودند. به‌تعبیر ایشان، ایران در برابر هضم شدن در دنیای آمریکایی استقامت می‌ورزید و خود را تسلیم آن نمی‌کرد. زیرا هدف آمریکا همانند اروپا نیل به برتری در قدرت مادی بود تا بر مردم مسلط شود. از این روی، "مرور ریشه‌ها" یادآوری هستی مستقل ایران برابر وجود استیلاجویانه آمریکاست که خط اصلی مبارزه ما به‌شمار می‌رود. نکته‌ای که در پیام ۱۳ آبان رهبر انقلاب با رمز "توکل، استقامت و فداکاری در جبهه حق" بیان می‌شود.

*پژوهشگر رسانه

برزخ تعلیق و فرصت خلق زمان مشترک ملی

دکتر علی کاکادزفولی *

ما در یک سرزمین زندگی می‌کنیم، اما در زمان‌ها و ساعت‌های متفاوتی نفس می‌کشیم؛ سفره‌هایمان در پی گشایش امروز است، نبض اقتصادمان با افق چندساله می‌تپد، نگاهمان در امنیت به دفع غافلگیری‌ها و تهدیدهاست، و دولت‌هایمان در چرخه‌های گذرا می‌آیند و می‌روند. اگر این زمان‌های ناهمگون را به یک اراده تاریخی گره نزنیم، در جنگ اولویت‌ها زمین‌گیر می‌شویم. تا اینجای کار ایستاده‌ایم، اما پیشِ روی ما برزخ تعلیق است و دشمن سعی دارد ما را در این وضعیت نگاه دارد؛ نقطه‌ای که اگر هشیار نباشیم، نبض زندگی‌مان را مشروط به حرکت دشمن می‌کنیم و اختیار زمان خود را ناخواسته به اراده بیگانه می‌سپاریم. هنر بنیادین ولایت فقیه در این بزنگاه، خلق «زمان مشترک ملی» برای همه ماست؛ یعنی ایجاد لنگرگاهی فراتر از عمر دولت‌ها و مسائل زودگذر، تا در کنار پایبندی به منطق دفاع، حیات ایران و ایرانی جریان داشته باشد و این گونه نباشد که به خاطر فوریت‌های معیشتی و یا مسائل زودگذر، عمق استراتژیک فردای ایران را قربانی کنیم؛ پس به او اعتماد کنیم. اعتماد به رهبری نمی‌گذارد در لحظه‌ها قفل شویم و فقط تماشاچی بمانیم؛ پیروزی واقعی یعنی به جای آن که دست روی دست بگذاریم و ببینیم آینده چه رخدادهایی را رقم می‌زند، خودمان شروع‌کننده و سازنده آینده باشیم. مقاومت راستین برای ما یعنی نگذاریم دشمن عقربه‌های حرکت‌مان را تنظیم کند. آینده از آنِ ماست؛ مایی که حتی در کوران تهدیدها، شجاعت طرح‌اندازی برای فردا را از دست نمی‌دهیم و اراده درونی خود را نقطه عزیمت تاریخ قرار می‌دهیم. *پژوهشگر جامعه شناسی سیاسی

چگونه خیابان خط مقدم شد

دکتر آزاده محمودیان *

از همان آغازین روز جنگ که میدان نظامی آماده به کار شد و صدای موشک‌های ایرانی به گوش جهان رسید، مردم ایران، خیابان‌ها را به «میدان دوم جنگ» تبدیل کردند. غم آنچنان وجود ایرانیان را فرا گرفته بود و سینه‌ها چنان به تنگ آمده بود که گریزی نداشت جز فرار از چهار دیواری‌های خانه، و پناه بردن به خیابانِ بدون سقف و دیوار، تا از حس خفگی این بغض گلوگیر بکاهد.در برابر دشمن سفاک آمریکایی‌صهیونی، ایران در دو جبهه وارد جنگ شد؛ جنگ در میدان و جنگ نمادین در خیابان. «مردم به‌مثابه رزمندگان»، سراسر خیابان‌ها و میادین را پر کردند و اینگونه بود که معنای «جنگ در سپهر شهر» تولید شد و جنگ، شهری شد. مردم در خیابان به‌مثابه سرداران میدان نبرد نظامی بودند. این سینه‌های غم آلود دیگر در خانه قرار و آرامش نداشت و از میدان خیابان، آشیانه‌ای برای کاهش آلام خود در فقدان رهبر شهید پیدا کرده بود. اینگونه «بعثت اجتماعی» در وضعیت جنگی شکل گرفت. مردمِ آمادهٔ نبرد، خیابان را چون «مکمل میدان» می‌دیدند، آن را ترک نمی‌کردند. جنگ از میدان نبرد نظامی به خیابان‌ها «امتداد» یافته بود. این حضورهای شبانه نوعی «بازتولید مقاومت اجتماعی» شده و در این اجتماعات شبانه مقاومت، تعیّن یافته است. باور به جنگ تمدّنی، مقاومت مردمی را تشدید و به عرصهٔ ظهور گذاشته است. جنگ تمدّنی نیازمند مقاومت مردمی در چشم‌ها و قلب‌هاست؛ و خیابان امروز، به جغرافیای جنگ تمدّنی مبدّل شده است. چشم‌های ایرانیان امروز بر تجربه‌های دو دههٔ اخیر باز شده و تازه مفهوم «عبرت» را از کلام رهبر شهید دریافته است، و همین ادراک موجب شده حضور در میدانِ خیابان را تکلیف الهی ببینند و شجاعانه و به دور از هراس، پشتیبان میدان تا تحقّق انتقام رهبر شهید و زوال تهدید دشمن باشند. *پژوهشگر علوم ارتباطات و رسانه

شعاع پیرامونی در خیابان ۲

جعفر علیان نژادی *

مسئلهٔ ما این بود که چه کار کنیم تا تجمعات با کیفیت بهتر و کمیت بیشتر برگزار شود. گفته شد اگر با نگاه عملیاتی به بیانات رهبر شهید و رشید نظر بیفکنیم، به راه‌حل‌هایی می‌رسیم که بسیار مناسب و نافذ است. «شعاع پیرامونی» استعاره‌ای بود که رهبر شهید در موضوع شیوه‌های تبیین به یادگار گذاشت. استفادهٔ عملی که از این استعاره کردیم آن بود که عمل تبیینی ما باید طوری باشد که در کنار روشن‌سازی فضایی که در آن هستیم، فضای پیرامون و دورتر را نیز تحت‌الشعاع قرار دهد. برای این کار نیز پیشنهاد شد که باید سخن نو داشت. سخن نو به معنای دادن اطلاعات یا اخبار جدید نیست، چون همهٔ افراد می‌توانند با فشردن چند کلیک به جدیدترین خبرها و حتی تحلیل‌ها برسند. سخن نو داشتن یعنی کاری که با آن، آحاد مردم به قدرت و توان فهم صحیح امور برسند. سخن نو همچنین به معنای گفتن چیزهای عجیب و غریب و ناشنیده‌ها و شنیده‌های درگوشی این محفل و آن محفل نیست. سخن نو یعنی ایجاد توان درک کلیات امور و تفکر بر اساس آن، نه درگیر جزئیات غیرضروری و رهزن شدن. تبیین‌گری سخن نو دارد که بتواند قدرت درک و فهم مستقلانهٔ افراد و خود را به‌صورت همزمان بالا ببرد. یکی از شیوه‌های دعوت به تفکر، این چالش است که مدام از خود و دیگران بخواهیم برای هر عمل روزمره و هر سخن خود حتماً یک دلیل خوب دست‌وپا کنند و صرفاً از روی عادت مبادرت به انجام امور روزمره نکنند. جست‌وجو برای دلایل خوب، تدریجاً فکر و سخن و عمل ما را عقلانی می‌کند. عقلانی‌تر شدن به صورت طبیعی، شعاع تأثیرگذاری و جذب را چند برابر می‌کند... *پژوهشگر اندیشه سیاسی

پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای قدس سره
www.irseri.ac.ir @irseri_ir